

دربارهٔ مشاغل سخت و زیان آور بیشتر بدانیم

احتمالاً تویی که خواننده‌ی این متن هستی، یا خودت درگیر مسئله‌ی سختی کاری یا آشنایان و دوستانی داری که تن‌هایشان زیر بار کارهای سخت در حال متلاشی شدن است. شاید تو همان پسر جوان معدن‌کاری باشی که از شدت آلودگی‌های محیط کار، همچون مردی مسن سرفه‌های خلط‌دار می‌کنی. یا شاید دختری باشی که پای دستگاه تزریق پلاستیک مذاب مشغول کاری و هر روز با سردردی سخت به خانه برمی‌گردد. شاید فرزند پدری بوده‌ای که سال‌ها بر روی دکل‌های برق کار می‌کرد و در تمام آن سال‌ها شاهد اضطراب مادرت برای سالم برگشتن پدر به خانه بوده‌ای. ممکن است اپراتور دستگاه پرس ۷۰۰ تُنی باشی که صدای غرش دستگاه حتی در خوابت هم در سرت می‌پیچد. شاید هم پرستاری هستی که از ایستادن زیاد مجبور به تحمل درد واریس‌های پایت هستی. می‌توانی کارگری باشی که مدام پشت میز می‌نشینی و از درد مفاصلت رنج می‌بری. شاید هم هیچ کدام از این‌ها نیستی ولی تمام این رنج‌ها را با چشمانی باز می‌بینی. اگر به شکل کلی بنگریم اکثر کارگران تحت چنان فشارکاری از سمت کارفرمایانشان هستند که تن و جانشان هر روز فرسوده‌تر از پیش می‌شود. در واقع می‌توان گفت بیماری ناشی از کار در اکثر (شاید هم بتوان گفت تمام) کارگران به وجود می‌آید. عموماً هم لازم نیست که کارگر سال‌ها در کاری مشغول باشد تا اثرات آن را در سلامت خود ببیند، اغلب در همان ماه‌های اول کاری، دردها و علائم پدیدار می‌شوند. کمتر کارگری را می‌شناسیم که از دیسک کمر، آرتروز، زانو درد، بیماری‌های عصبی، واریس، آسم و ... رنج نبرد. اما در میان تمام این کارها، مشاغلی هستند که سختی ویژه و محسوسشان غیرقابل انکار است، تا حدی که در قوانین رسمی نیز به رسمیت شمرده شده‌اند. بیایید سراغ قانون برویم و به تعریف آن از کارهای سخت و زیان آور بپردازیم تا ببینیم آیا می‌توانیم از این قانون برای بهبود وضعیتمان کمک بگیریم؟

طبق قانون، مشاغل سخت و زیان آور به کارهایی گفته می‌شود که در آن‌ها عوامل شیمیایی، فیزیکی، بیولوژیکی و مکانیکی محیط کار استاندارد نیست و کارگر در اثر اشتغال تحت تنش‌های جسمی و روحی که منجر به بروز بیماری‌های شغلی و عوارض ناشی از آن می‌شود، قرار می‌گیرد.^۱ برای تدقیق این قانون چندین دسته از مشاغل توسط شورای عالی کار، شورای عالی حفاظت فنی و بهداشت کار به عنوان مشاغل سخت و زیان آور معرفی می‌شوند. این گروه‌های شغلی عبارت اند از:

۱. کار در معدن: اعم از تحت الارضی یا سطح الارضی که منجر می‌شود کارگر در راهروهای سرپوشیده و تونل‌ها به استخراج بپردازد.

۱. برگرفته از آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور ماده ۱

۲. کار استخراج: هر گونه مباشرت یا نظارتی که ایجاب می‌کند کارگر در میله‌ها، راهروها و تونل‌های معدن مشغول فعالیت باشد اعم از جدا کردن یا منفجر کردن مواد از سطح کار، حمل موادی که بر اثر انفجار ایجاد شده، اداره‌ی تاسیسات آب و برق در داخل معدن
۳. کار در مخازن سربسته، حفر قنات‌ها، چاه‌ها و فاضلاب‌ها
۴. کار مستمر در مجاورت کوره‌های ذوب به گونه‌ای که کارگر در معرض بخارات زیان‌آور و حرارت باشد، همچنین تخلیه و حمل مواد مذاب از این کوره‌ها
۵. کارگران مشغول به کار در کارگاه‌های سالامبورسازی، دباغی و روده پاک کنی و کارگرانی که به طور مستمر در گندابروها، جمع‌آوری و حمل و دفن زباله شهری مشغولند.
۶. کارگران مشغول به کار در واحدهای دامداری و طیور که به طور مستمر در جمع‌آوری و انتقال و انبار کردن کود کار می‌کنند.
۷. اشخاصی که به طور مداوم و مستمر در ارتفاع بیش از ۵ متر و در فضاهای باز بر روی داربست، اتاقک‌های متحرک و دکل‌ها کار می‌کنند.
۸. افرادی که بر روی خطوط و پست‌های انتقال برق با فشار شصت و سه کیلو ولت و بالاتر از آن در حال فعالیت هستند.
۹. مشاغل پخت آسفالت دستی، قیرپاشی، شن‌پاشی و مالچ‌پاشی
۱۰. افرادی که در مخازن مشغول جوشکاری هستند.
۱۱. کار با مواد رادیواکتیو و قرار گرفتن در معرض پرتوهای یون‌ساز و مشاغلی که بدلیل در معرض اشعه قرار گرفتن، زمینه ابتلا به بیماری در آن‌ها وجود دارد.
۱۲. کار در مکان‌های با فشار زیاد مانند کار غواصی
۱۳. آتش‌نشانی
۱۴. کار سم‌پاشی مزارع، باغات و همچنین ضدعفونی کردن طویله‌ها، مرغداری‌ها
۱۵. کارهایی که منجر به کری کارگر و ایجاد بیماری‌های گوش می‌شود.
۱۶. کار در مشاغلی که حشره‌کش و سم تولید می‌کنند.
۱۷. خبرنگاری
۱۸. کار با وسایلی که دارای ارتعاش هستند و برای سلامتی کارگران مشکلاتی را ایجاد می‌کند.
۱۹. شاغلین در ندامتگاه‌ها و زندان‌ها

۲۰. افرادی که در مراکز روان درمانی مشغول به فعالیت هستند و با بیماران روانی در ارتباطند.

۲۱. رانندگان مسافری درون شهری و برون شهری، حمل و نقل بار، رانندگان وزارت راه و شهرسازی در جاده‌ها

۲۲. کارشناس علوم آزمایشگاهی، فوریت‌های پزشکی، مامایی و هوشبری و زیرمجموعه‌ی آن‌ها^۲

کسانی که شامل این بند قانونی شوند از مزایایی برخوردار می‌شوند. هر چند این مزایا به هیچ وجه برای جلوگیری از اثرات سوء این مشاغل کافی نیست اما از شدت آن‌ها می‌کاهد. لازم به ذکر است که این بندها تمام مشاغل سخت و زیان آور را دربر نمی‌گیرند. مشاغل زیادی وجود دارند که درون این ۲۲ بند جای نمی‌گیرند ولی سخت و زیان آور بودن آن به هیچ وجه بر کارگرانی که مشغول انجام دادن آن هستند پوشیده نیست. این نقصان بسیار تأسفبرانگیز است اما بدتر از آن این است که با این حال هم عموم سرمایه‌داران از عمل به همین قانون ناکافی نیز تن می‌زنند. اما چرا؟ برای روشن شدن این چرایی بگذارید مزایایی که گفتیم را بررسی کنیم:

۱- پرداخت مقدار ۴ درصد بیمه‌ی بیشتر برای این مشاغل از طرف کارفرما به صندوق‌های بیمه^۳

همان طور که می‌دانید حق بیمه برای مشاغل عادی در واقع ۳۰ درصد از دستمزد بیمه شده است؛ یعنی ۳۰ درصد دریافتی کارگر. ۲۰ درصد این مقدار را کارفرما و ۷ درصد را کارگر و ۳ درصد را دولت پرداخت می‌کند.^۴

فکر می‌کنم به کارگیری چهار عمل اصلی ریاضی یکی از ابزارهایی است که ما کارگران را در راستای تلاش برای بهبود وضعیت معیشتمان یاری می‌کند. حساب و کتاب این بندهای قانونی که از آن سخن می‌رانیم لازم و ضروری است. بیایید باهم تمرین کنیم. فرض ما در اینجا این است که کارگر مجرد بوده، صاحب فرزند نیست، روزانه ۱۲ ساعت و در دو نوبت کاری صبح و شب و ۶ روز در هفته کار می‌کند. بنابراین دریافتی‌های این کارگر عبارت‌اند از:

دریافتی ماهانه کارگر = حق نوبت کاری + اضافه کاری + بن کارگری + حق مسکن + حقوق پایه

۲. آیین نامه اجرایی تشخیص و تطبیق مشاغل سخت و زیان آور ماده ۲

۳. آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور ماده ۱۴

۴. برگرفته از قانون تأمین اجتماعی ماده ۲۸ تبصره ۱

می‌دانیم در سال ۶ ماه ۳۱ روزه، ۵ ماه ۳۰ روزه، و یک ماه ۲۹ روزه را داریم. بنابراین حقوق پایه در هر کدام از این ماه‌ها متفاوت است. ما برای نمونه حق بیمه‌ی ماه‌های ۳۱ روزه را محاسبه می‌کنیم^۵، محاسبه‌ی ماه‌های دیگر به عهده‌ی خودتان^۶.

$$\text{حقوق پایه} = (\text{تعداد روزهای ماه} \times \text{حداقل دستمزد روزانه}) = ۳۱ \times ۱۳۹۳۲۵ = ۴۳۱۹۰۷۵$$

$$\text{حق مسکن} = ۶۵۰۰۰۰$$

$$\text{بن کارگری} = ۸۵۰۰۰۰$$

$$\text{اضافه کاری} = (\text{میزان ساعات اضافه کار}^۷ \times \text{دستمزد ساعتی اضافه کار}) = ۱۱۲ \times ۲۶۶۱۰ = ۲۹۸۰۳۲۰$$

$$\text{حق نوبت کاری برای دو شیفت صبح و شب}^۸ = (۲۲/۵ \% \times \text{حقوق پایه}) = ۰/۲۲۵ \times ۴۳۱۹۰۷۵ = ۹۷۱۷۹۲$$

همه را با هم جمع می‌کنیم:

$$\text{دریافتی ماهانه کارگر} = ۹۷۱۷۹۲ + ۲۹۸۰۳۲۰ + ۸۵۰۰۰۰ + ۶۵۰۰۰۰ + ۴۳۱۹۰۷۵$$

پس

$$\text{دریافتی ماهانه کارگر} = ۹۷۷۱۱۸۷ \text{ تومان}$$

همان طور که پیشتر اشاره کردیم در مشاغل عادی ۳۰ درصد این مبلغ به عنوان حق بیمه به صندوق بیمه پرداخت می‌شود. سهم کارفرما ۲۰ درصد از مبلغ فوق و سهم کارگر ۷ درصد است. بگذارید محاسبه کنیم:

$$\text{سهم کارفرما از مبلغ بیمه‌ی ماهانه مشاغل عادی: } ۱۹۵۴۲۳۷ = (۰/۲۰ \text{ یا } ۲۰\%) \times ۹۷۷۱۱۸۷$$

$$\text{سهم کارگر از مبلغ بیمه‌ی ماهانه مشاغل عادی: } ۶۸۳۹۸۳ = (۰/۰۷ \text{ یا } ۷\%) \times ۹۷۷۱۱۸۷$$

تا به اینجا حق بیمه برای مشاغل عادی را محاسبه کردیم. لازم به ذکر است که با بالا رفتن دریافتی کارگر، حق بیمه نیز افزایش می‌یابد. حال نوبت محاسبه‌ی حق بیمه برای مشاغل سخت و زیان‌آور است. حال اگر شغل همان کارگری که مثال زدیم به عنوان شغل سخت و زیان‌آور در نظر گرفته شود محاسبه‌ی حق بیمه‌ی آن متفاوت است.

۵. تمام مبالغ متن مربوط به سال ۱۴۰۱ و به تومان است.

۶. شاید این سوال پیش بیاید که چرا روزهای جمعه از تعداد روزهای ماه کم نشده است. لازم به یادآوری است که روزهای جمعه در طی یک ماه، روز تعطیل محسوب می‌شوند که بابت آن بایستی حقوق پرداخت شود. و در صورت کار در این روز مزد بیشتری باید به کارگر پرداخته شود.

۷. هر کارگر طبق قانون کار در هر هفته ۴۴ ساعت موظف به کار است. اما در اینجا کارگر روزی ۱۲ ساعت و هفته‌ای ۷۲ ساعت کار می‌کند. یعنی در هفته ۲۸ ساعت اضافه کاری انجام می‌دهد. این عدد برای یک ماه که چهار هفته را شامل می‌شود به حدود ۱۱۲ ساعت اضافه کار می‌رسد.

۸. ماده ۵۶ قانون کار

همانطور که گفتیم مقدار حق بیمه در مشاغل سخت ۴ درصد بیشتر از مشاغل عادی است یعنی ۳۴ درصد. سهم کارگر همان ۷ درصد می ماند ولی سهم کارفرما به ۲۴ درصد افزایش می یابد^۹. البته باید به این نکته توجه کنیم که با اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور دریافتی کارگران نسبت به حالت عادی تغییر می کند. برای محاسبه ی حق بیمه در این حالت بایستی میزان دریافتی جدید را به دست آوریم. دریافتی ماهانه کارگر مشاغل سخت با دریافتی پیشین تنها در میزان ساعات اضافه کاری متفاوت است. علت این تفاوت نیز از آنجا ناشی می شود که ساعت کار هفتگی برای کارگران مشاغل سخت ۳۶ ساعت است. این میزان برای مشاغل عادی ۴۴ ساعت می باشد. بنابراین تفاوت این ساعات (۸ ساعت در هفته یا ۳۲ ساعت در ماه) جزء اضافه کاری محسوب شده و در اینجا ما آن را به مقدار دریافتی کارگر اضافه کرده ایم. به عبارتی:

اضافه کاری اضافه شده = (میزان ساعات اضافه کار × دستمزد ساعتی اضافه کار) = ۳۲ × ۲۶۶۱۰ = ۸۵۱۵۲۰
دریافتی ماهانه کارگر مشاغل سخت = ۹۷۷۱۱۸۷ + ۸۵۱۵۲۰ = ۱۰۶۲۲۷۰۷ تومان

پس:

سهم کارفرما از پرداخت بیمه ی ماهانه مشاغل سخت: ۲۵۴۹۴۵۰ = (۰/۲۴ یا ۲۴٪) × ۱۰۶۲۲۷۰۷

سهم کارگر از پرداخت بیمه ی ماهانه مشاغل سخت: ۷۴۳۵۸۹ = (۰/۰۷ یا ۷٪) × ۱۰۶۲۲۷۰۷

اکنون سهم کارفرما در هر دو نوع کار را از هم تفریق می کنیم:

$$۲۵۴۹۴۵۰ - ۱۹۵۴۲۳۷ = ۵۹۵۲۱۳$$

پس کارفرما اگر حاضر به اعمال قانون سختی کار برای کارگرانش باشد تنها در این یک بند و برای هر کارگر با این میزان حقوق بایستی مبلغی حدود ۶۰۰ هزار تومان بیشتر از حالت عادی به بیمه پرداخت کند.

۲- ساعت کار مشاغل عادی در طول هفته ۴۴ ساعت است. اما در مشاغل سخت و زیان آور ساعت کار

نباید از شش ساعت در روز و ۳۶ ساعت در هفته تجاوز نماید^{۱۰}

همان طور که در بندهای پیشین گفتیم تفاوت ساعات کار موظفی کارگران مشاغل سخت با کارگران عادی ۸ ساعت در هفته و ۳۲ ساعت در ماه است. در حالی که سرمایه دار باید بابت این ساعات های کاری مازاد به کارگران حق اضافه کاری پرداخت نماید. اگر این ۳۲ ساعت را در مزد یک ساعت اضافه کاری یعنی حدود ۲۶۶۰۰ تومان ضرب کنیم، مجموع آن ۸۵۱۲۰۰ تومان می شود^{۱۱}. در حالی که کارگران برای این مقدار کار در ماه هیچ حقوقی دریافت نمی کنند.

۹. آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور ماده ۱۴

۱۰. قانون کار ماده ۵۲

۱۱. مبلغ اضافه کاری نیز به حقوق پایه بستگی دارد و با افزایش میزان حقوق پایه، این مقدار هم افزایش می یابد

پس اگر قانون مشاغل سخت و زیان‌آور برای کارگران اجرا شود تنها بابت این یک بند و برای هر کارگر با این میزان حقوق، میزان دریافتی حدود ۸۵۰ هزار تومان افزایش می‌یابد. در غیر این صورت این مبلغ به جیب کارفرما خواهد رفت.

۳- مرخصی سالانه‌ی این کارگران بایستی پنج هفته یعنی ۳۵ روز باشد

اما در عموم کارخانه‌ها این کارگران مطابق کارگران مشاغل عادی ۲۶ روز کاری مرخصی دارند^{۱۲}. در نتیجه هزینه‌ی ۹ روز (۲۶-۳۵) مرخصی این کارگران به جیب کارفرما می‌رود. این ۹ روز را ضرب در ۷/۳۳ ساعت کار در روز می‌کنیم^{۱۳}. از آنجایی که کار در این روزها جز اضافه‌کاری محسوب می‌شود پس بایستی ساعات را ضرب در مزد هر ساعت اضافه‌کار (۲۶۶۰۰) کرده تا مقدار سالانه آن به دست آید. جواب را تقسیم بر ۱۲ ماه می‌کنیم تا مقدار ماهانه آن نیز حاصل شود.

$$\text{مقدار سالانه (تومان): } 9 \times 7/33 \times 26600 = 1705480.2$$

$$\text{مقدار ماهانه (تومان): } 1705480.2 \div 12 = 142123.3$$

حدوداً ۱۵۰ هزار تومان در ماه.

تا به اینجا تفاوت مبالغی را که در بندهای ۲ و ۳ توضیح دادیم، جمع می‌کنیم:

$$090213 + 801200 + 142123.3 = 1092766.3$$

یعنی ماهانه حدود ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان به ازای هر کارگر برای عدم رعایت قوانین سختی کار به جیب کارفرما می‌رود. برای اینکه اهمیت رقم فوق را برای کارفرما بیشتر حس کنیم بیایید آن را برای محیط کاری دارای ۱۰۰ نفر کارگر با مشاغل سخت بررسی کنیم.

$$1092766.3 \times 100 = 109276630$$

این مقدار برای یک سال برابر می‌شود با:

$$12 \times 109276630 = 1311319560$$

بیش‌تر از ۱ میلیارد و ۹۱۰ میلیون تومان!!!

۴- ارجاع کار اضافی به کارگرانی که کار سخت و زیان‌آور انجام می‌دهند ممنوع است^{۱۴}

کارفرما در صورت اجرای این قانون بایستی برای اینکه ۲۴ ساعته در کارخانه‌اش مشغول به جیب زدن سودهای ناشی از کار کارگران باشد، بایستی ۴ شیفت کاری را برقرار کند (هر شیفت برای کارگر با شغل سخت

۱۲. قانون کار ماده ۶۴

۱۳. ساعات کار هفتگی ۴۴ ساعت است. اگر آن را تقسیم بر ۶ روز کاری کنیم عدد ۷/۳۳ به دست می‌آید.

۱۴. قانون کار ماده ۶۱

و زیان آور تنها می‌تواند ۶ ساعت باشد). در واقع کاری که با ۱۰۰ نفر کارگر در دو شیفت انجام می‌گرفت، حالا بایستی با دو برابر یعنی ۲۰۰ نفر کارگر در چهار شیفت ادامه داده شود.

بیا بید ببینیم کارفرما با رعایت کردن این بند(علاوه بر بندهای پیش) چه سودی را از کف می‌دهد. برای این کار باید ابتدا یکبار هزینه‌های کارفرما بابت ۱۰۰ کارگر در دوشیفت کاری که قوانین مشاغل سخت را برای آن‌ها اجرا نکرده(در اینجا آن‌ها را شغل عادی می‌نامیم) و یکبار دیگر هزینه‌های وی بابت ۲۰۰ کارگر با شغل سخت در ۴ شیفت کاری را محاسبه و در نهایت این دو را مقایسه کنیم. شروع می‌کنیم:

الف: هزینه های کارفرما بابت ۱۰۰ کارگر در دو شیفت کاری بدون رعایت قوانین مشاغل سخت:

همان طور که قبل‌تر محاسبه کردیم کارگر مورد مثال در مشاغل عادی ۹۷۷۱۱۸۷ تومان دریافتی دارد. همچنین نیز محاسبه کردیم سهم کارفرما از مبلغ بیمه‌ی ماهانه مشاغل عادی برای یک کارگر ۱۹۵۴۲۳۷ تومان است. جمع این دو برابر می‌شود با ۱۱۷۲۵۴۲۴ تومان. این مقدار برای ۱۰۰ کارگر مساوی است با: ۱۱۷۲۵۴۲۴۰۰ تومان. این عدد تنها بابت یک ماه است. بابت یک سال این عدد ضرب در ۱۲ ماه می‌شود. یعنی: ۱۴۰۷۰۵۰۸۸۰۰ تومان. (۱۴ میلیارد و ۷۰ میلیون تومان).

ب: هزینه های کارفرما بابت ۲۰۰ کارگر در ۴ شیفت کاری با رعایت تمام قوانین مشاغل سخت:

هنگامی که کار کارگران مشاغل سخت مطابق قانون ۶ ساعت در روز باشد و در ۴ شیفت کار کنند تغییراتی در پرداختی‌های کارفرما به آنان اتفاق می‌افتد:

اولاً اینکه دیگر هیچ کارگری مجبور به اضافه‌کاری نخواهد بود و این مبلغ از محاسبات حذف می‌شود. ثانیاً حق نوبت کاری ۱۵ درصد پایه حقوق خواهد شد^{۱۰} ($۰/۱۵ \times ۴۳۱۹۰۷۵ = ۶۴۷۸۶۱$). محاسبه را بر این مبنا پیش می‌بریم.

دریافتی ماهانه یک کارگر مشاغل سخت = حق نوبت کاری + اضافه‌کاری + بن کارگری + حق مسکن + حقوق پایه

دریافتی ماهانه یک کارگر = $۶۴۷۸۶۱ +$ اضافه‌کاری + $۸۵۰۰۰۰ +$ $۶۵۰۰۰۰ +$ ۴۳۱۹۰۷۵

دریافتی ماهانه یک کارگر = ۶۴۶۶۹۳۶ تومان

حال بگذارید سهم بیمه کارفرما را بابت این مقدار از حقوق بررسی کنیم:

سهم کارفرما از پرداخت بیمه‌ی ماهانه یک کارگر شغل سخت: $۱۰۵۲۰۶۵ = (۰/۲۴ \text{ یا } ۲۴\%) \times ۶۴۶۶۹۳۶$

حال این دو را باهم جمع می‌کنیم. نتیجه ۸۰۱۹۰۰۰ تومان شد.

۱۰. ماده ۵۶ قانون کار، در این قانون برای کارهای سه نوبته ۱۵ درصد فوق العاده نوبت کاری تعیین شده است.

هر چند این مقدار پرداختی پایین‌تر از مقدار قسمت قبل است اما این مقدار دیگر نه برای ۱۰۰ کارگر بلکه باید برای ۲۰۰ کارگر پرداخت می‌شود. یعنی این عدد را ضرب در ۲۰۰ می‌کنیم:

$$۸۰۱۹۰۰۰ \times ۲۰۰ = ۱۶۰۳۸۰۰۰۰۰$$

و برای محاسبه سالیانه آن ضرب در ۱۲ ماه می‌کنیم.

$$۱۶۰۳۸۰۰۰۰۰ \times ۱۲ = ۱۹۲۴۵۶۰۰۰۰۰$$

نتیجه ۱۹ میلیارد و ۲۴۵ میلیون تومان شد.

اما نکته‌ی دیگری که بسیار مهم است پرداخت عیدی و سنوات به ۱۰۰ کارگر جدید در شیفت‌های جدید (سوم و چهارم) است.^{۱۶} میزان عیدی سالانه برای هر کارگر معادل ۶۰ روز آخرین مزد است.^{۱۷} بنابراین عیدی سالانه یک کارگر مساوی با $۸۳۵۹۵۰۰ = ۱۳۹۳۲۵ \times ۶۰$ تومان است. سنوات نیز برای هر سال معادل آخرین حقوق ماهانه است.^{۱۸} که برای یک کارگر بدون پایه سنوات و با حداقل حقوق، مساوی با ۴۱۷۹۷۵۰ تومان است. مجموع حداقل سنوات و عیدی برای هر کارگر استخدامی در شیفت سوم و چهارم به شکل سالانه ۱۲۵۳۹۲۵۰ تومان است. با ضرب این عدد در ۱۰۰، سنوات و عیدی برای ۱۰۰ نفر کارگر جدید به دست می‌آید.

$$۱۰۰ \times ۱۲۵۳۹۲۵۰ = ۱۲۵۳۹۲۵۰۰۰$$

حال اگر این عدد را با مجموع پرداختی حقوق و بیمه‌ی ۲۰۰ کارگر جمع ببندیم خواهیم داشت:

$$۱۲۵۳۹۲۵۰۰۰ + ۱۹۲۴۵۶۰۰۰۰۰ = ۲۰۴۹۹۵۲۵۰۰۰$$

یعنی تقریباً ۲۰ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان.

حالا که مقادیر حالت الف و ب به دست آمد بگذارید با کم کردن این دو از هم مقایسه نهایی را انجام دهیم:

$$۲۰۴۹۹۵۲۵۰۰۰ - ۱۴۰۷۰۵۰۸۸۰۰ = ۶۴۲۹۰۱۶۲۰۰$$

میزان سودی که کارفرما از عدم رعایت کامل قانون مشاغل سخت و زیان آور به جیب می‌زند نزدیک به ۶ میلیارد و ۴۳۰ میلیون تومان در سال است. در واقع این پول از جیب کارگران برداشته شده است.

این نکته را نیز در نظر بگیریم که هزینه‌های دیگر هر کارگر مانند حق ایاب وذهاب، هزینه غذا و ... را نیز به این میزان اضافه نکرده‌ایم. همچنین برای جلوگیری از پیچیدگی متن از مبلغ «فوق‌العاده سختی کار» که

۱۶. عیدی و سنوات ۱۰۰ نفر شیفت او را به این دلیل که در هر دو حالت الف و ب با هم برابری در محاسباتمان نیابردیم. در نتیجه از آن در هر دو بخش چشم‌پوشی کرده‌ایم.

۱۷. ماده واحده‌ی قانون مربوط به تعیین عیدی و پاداش سالانه کارگران شاغل در کارگاه‌های مشمول قانون کار

۱۸. برگرفته از ماده ۲۴ قانون کار

به کارگران مشاغل سخت در محیط‌های کاری دارای قانون طبقه‌بندی مشاغل تعلق می‌گیرد چشم پوشی کرده‌ایم. عدد واقعی بیش از این‌هاست.

از این محاسبات می‌توانیم به این نتیجه برسیم که کارفرما بسیار مشتاق اضافه کاری همان کارگران به جای استخدام کارگران بیشتر است. زیرا هزینه‌های اضافه کاری نسبت به هزینه‌های استخدامی‌های جدید بسیار کمتر است. وضعیت معیشتی بد کارگران نیز از طرفی موجب شده که خودشان هم به استقبال اجباری از اضافه کار بروند تا با مزد آن، بخشی از هزینه‌های سرسام‌آور زندگی‌شان را جبران کنند؛ صد البته به قیمت جان‌شان. سرمایه‌داران، صاحبان ابزارهای تولید، توانسته‌اند فشارهای سنگین معیشتی را در سطح جامعه بر کارگران تحمیل کنند و کارگران را در چنان وضعیتی بغرنجی قرار دهند که به شکل انفرادی توان مقاومت در برابر آن‌ها را نداشته باشند و ناگزیر تن به ظلم سرمایه‌داران دهند. هدفی بالاتر از کسب سود بیشتر برای کارفرما وجود ندارد و تنها کارگران‌اند که در این راه جسمشان فرسوده می‌شود.

بگذارید چکیده کل محاسبات متن را تا به اینجا در چند خط بعدی بیاوریم:

هزینه‌ی بیشتری که سرمایه‌دار از اجرای ۴ مورد از قوانین مربوط به مشاغل سخت و زیان‌آور بایستی بپردازد: **بیش از ۱ میلیارد و ۹۱۰ میلیون تومان در سال!!!**

هزینه‌ی بیشتری که سرمایه‌دار از اجرای ۵ مورد از قوانین مربوط به مشاغل سخت و زیان‌آور بایستی بپردازد: **نزدیک به ۶ میلیارد و ۴۳۰ میلیون تومان در سال!!!**

احتمالاً بگویید که این مقدار برای سرمایه‌داری که ۱۰۰ یا ۲۰۰ کارگر را به استخدام خود دارد، عدد بزرگی نیست. از جانی این سخت‌ناتان درست است. ممکن است این مقدار، معادل تنها سود یک ساعت، یک روز یا یک هفته‌ی این سرمایه‌دار باشد. اگر وی بخواهد آن را به شکل ثروت ذخیره کند، عدد بزرگی به نظر نمی‌آید. اما دقیقاً مسئله اینجاست که عموماً سرمایه‌داران این کار را نمی‌کنند و به سرمایه‌گذاری این پول می‌پردازند. یعنی این مقدار پول را وارد چرخه‌ی سرمایه‌ی خویش می‌کنند و کارگران هم با به‌کارانداختن این سرمایه‌ی اضافه‌شده، مقدار آن را چندین برابر می‌کنند. از طرفی دوباره یادآوری می‌کنیم که این پول حاصل عدم رعایت تنها چند قانون از قوانین کار است. دیگر خودتان حساب کنید که از مجموع نقض قوانین دیگر، چه سودهایی عاید کارفرما می‌شود و همین طور چه ضرری به کارگران زده می‌شود.

در ادامه به مهمترین بند قانونی مربوط به مشاغل سخت و زیان‌آور می‌پردازیم. بندی که نقش آن در حفظ سلامت کارگران بسیار بزرگ است اما اجرای آن در گرو پرداخت ۴ درصد حق بیمه‌ی بیشتر توسط سرمایه‌دار و عدم اجرای آن، هم به نفع سرمایه‌دار و هم به نفع سازمان بیمه است. اما چگونه؟

۵- بازنشستگی پس از ۲۰ سال متوالی کار سخت و زیان آور^{۱۹}.

بر این اساس بیست سال کار پیوسته و بیمه‌ی کارگر شغل سخت معادل ۳۰ سال کار و بیمه‌ی مشاغل عادی محسوب شود ($20 \times 1/5 = 30$). اما با گرفتن این حق از کارگران، هر کارگر مشغول به شغل سخت باید به جای ۲۰ سال کار برای بازنشستگی ۳۰ سال کار بکند، یعنی ۱۰ سال بیشتر. ارزش این ده سال زندگی کارگر با هیچ رقم و عدد ریاضی قابل محاسبه نیست. از آنجایی که بازنشستگی پس از ۲۰ سال به شرطی اتفاق می‌افتد که کارفرما بیمه‌ی مربوط به مشاغل سخت را برای این ۲۰ سال از قبل پرداخت کرده باشد (یا یکجا پرداخت کند)، پس عدم اجرای این قانون بسیار به مذاق کارفرما خوشایند است. از طرفی سازمان بیمه نیز از نادیده گرفتن این قانون استقبال می‌کند. دیگر لازم نیست که سازمان بیمه ده سال زودتر شروع به پرداخت حقوق بازنشستگی این کارگران کند و همچنین ده سال بیشتر حق بیمه را از کارفرمایان و کارگران دریافت می‌کند. از این بابت است که اجرای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور به ضرر سرمایه‌داران و همچنین سازمان بیمه است. در این میان کارگران‌اند که بدن رنجورشان ده سال دیگر بایستی زیر فشار کار تکیده‌تر شود.

حرف پایانی:

خوب می‌دانیم که بازگشت پول‌هایی که در بند یک تا چهار از آن سخن گفتیم به کارگرانی که خود آن را ایجاد نموده‌اند و رعایت دیگر مزایای این قانون چه مقدار می‌تواند در بهبود زندگی کارگران موثر واقع شود. همچنین ساعات کار کمتر و بازنشستگی زود هنگام برای کارگران این مشاغل بسیار ضروری است و به حفظ سلامت آنان کمک می‌کند. در طرف مقابل سرمایه‌داران را می‌بینیم که حاضر به از دست دادن چنین سودهایی نیستند. می‌بینیم که دو منفعت متضاد در مقابل هم قرار دارند. آیا مطالبه‌ی جمعی این حقوق و مبارزه برای این منفعت که مستقیماً با بهبود زندگی و معیشت ما کارگران در ارتباط است ضروری نیست؟ پیش از این کارگران سراسر دنیا طی سالیان دراز مشغول این مبارزه بوده‌اند و هستند. تصویب چنین قوانینی که منافع کارگران را در بر دارند نه بنا به دلسوزی قانونگذاران و اجرای آن و نه به علت بزرگ منشی سرمایه‌داران بلکه فقط و فقط نتیجه‌ی مبارزه‌ی کارگران بوده است. یک قدم پا پس کشیدن کارگران از این مبارزه مساوی است با هجوم سرمایه‌داران به این حقوق. آیا پیگیری اجرای این قوانین و تلاش برای حفظ آن‌ها وظیفه‌ی ما کارگران نیست؟

۱۹. آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور ماده ۱۳